

صومعه سرا

فاطمه قلی پور کالمرزی

شهرستان صومعه سرا در غرب گیلان واقع شده و از شمال به انزلی و از جنوب شهرستان فومن و از شرق به شهرستان های رشت و شفت و از غرب به شهرستان های ماسال و رضوانشهر محدود است. سه بخش مرکزی، تولمات، میرزا کوچک جنگلی و هفت دهستان کسما، طاهر گوراب، ضیابر، هندخاله، لیفشگرد، گوراب زرمیخ، مرکیه، و سه شهر صومعه سرا، مرجعل، گوراب زرمیخ و یکصد و پنجاه و دو روستا دارد.

بیماری های روحی

اگر در رفتار و حالت شخصی نشانه هایی از بیماری روحی و روانی مشاهده می شد او را نزد دعانویس می بردند، او بر کاغذ باریک و بلندی با جوهر و قلم دعا هایی می نوشت. این دعاها بر سه کاغذ نوشته می شد. یکی را بر بازوی فرد بسته می شد و یکی را با اسپند، موی گربه، و سیر می سوزاندند و دیگری را در آب حل کرده و با آن خود را شسته و مقداری از آن را می خوردند.

به طور کلی اهالی این مناطق امروزه افرادی که دچار بیماری روحی و روانی می شوند نزد روانشناس و پزشک مغز و اعصاب شهرهای صومعه سرا و رشت می روند. ولی باز هم مشاهده شده که برای درمان، اهالی به دعانویس ها نیز اعتقاد داشته علاوه بر پزشک از تجویز دعانویس نیز استفاده می کنند. همچنین افراد مبتلا را جهت زیارت و تسکین و آرامش روح و روان به امامزاده های محل یا روستاهای مجاور نیز می برند و یکی دو روز بیماران را در کنار ضریح معصوم زادگان با طناب سبزی می بندند.

در اباتر درخت مقدس و بزرگ به نام درخت مزار در کنار قبرستان قدیمی روستا قرار دارد. عمدتاً اهالی برای رفع بیماری هایی چون ترس، وحشت، و جنون به درخت مزار متوسل شده و تکه پارچه ای به شاخه درخت می بندند.

جنون یا دیوانگی در تنیان بیمار را در اطلاق تاریکی نشانده پالانی رویش می گذارند و با میله ای پیشانی اش را داغ می کنند. کمی مومیایی به او می خوراندند. علاوه بر این کارها شخص بیمار را نزد دعانویس می برند.

غش و تشنج در تولمشهر، از نشانه‌های غش ضعف و بی‌حالی، سست شدن اعضا و جوارح و خارج شدن کف از دهان بیمار است. در این حالت اطرافیان کمربند در دهان بیمار می‌گذارند تا بر اثر تشنج زبان‌ش را گاز نگیرد. با میله‌ای آهنی دورش را خط می‌کشند پس از کمی آرام شدن، شخص بیمار را درون چاه می‌گذارند و پیراهنش را در گل دفن می‌کنند. کمی آب به سر و رویش می‌ریزند. در اصطلاح محلی به این حالت بی‌وقتی می‌گویند.

چشم‌زخم در این مناطق برای رفع چشم‌زخم یا چشم‌نظر برگ گزنه را چیده به دختر نابالغی می‌دهند او برگ‌ها را در درگاهی اطاق می‌گذارد و با نوک چاقو یا داس روی آن می‌کوبد و هنگام ضربه زدن این شعر را می‌خواند:

چومه، چومه، چومه دانه (Cume, cume, cume dāne)

چومه بکنه دانه (Cme bokine dāne)

چی آشنا چی بیگانه (Ci ā s ena c I bigāne)

اون چشم بترکه (Une c e s m betarke)

یعنی چشم، چشم، چشم دانه (مردمک چشم)، مردمک چشم بترکد، چه از آشنا چه از غریبه چشم آن بترکد.

پس از خواندن این اشعار اسپند دود می‌کنند و مهره‌آبی به گردن بیمار می‌آویزند. در تولمشهر چند تار نخ لباس فرد شورچشم را با اسپند دود می‌دهند. در هنده‌خاله تخم‌مرغی را نزد دعانویس محل برده او با جوهر و قلم روی تخم‌مرغ دعا‌هایی برای رفع چشم‌زخم می‌نوشت. در تنیان دختر نابالغ سوزن را در پوست تخم‌مرغ فرو کرده تا چشم فرد شورچشم بترکد. در ضیابر، زنان تخم‌مرغی را دور سر فرد نظر شده می‌چرخانند. سپس با شدت درون ظرفی می‌اندازند اگر تخم‌مرغ بشکند، معتقدند که فرد سالم می‌شود. در غیر این صورت او را نزد دعانویس می‌برند.
- در کلنگستان با جوهر و قلم اسامی افراد مشکوک به شورچشمی و اعضای خانه را روی تخم‌مرغ می‌نویسند و معتقدند با نام بردن اسامی آنها تخم‌مرغ از وسط می‌ترکد.

بیماری‌های جسمی

سرماخوردگی گل بنفشه، گل گاوزبان و گیاه پندرک (penderek) را دم می‌کنند. در صومعه‌سرا گل تاج‌خروس را دم می‌کنند. همچنین مقداری کاه تازه که به آن سرچینا (sarcinā) می‌گویند. پخته فرد بیمار را بخور می‌دهند. در روستای هنده‌خاله، کدو می‌پزند، آش عدس و شیرگرم نیز به بیمار می‌خورانند.

تب در اولین مرحله، دست و پای کودک را با آب سرد پاشویه می‌کنند و پارچه‌نماکی را روی پیشانی‌اش می‌گذارند، غذاهای خنک و ملین به او می‌دهند. در تولمشهر، گنه‌گنه دم می‌کنند. همچنین معتقدند اگر اسب سفیدی زیاد شیهه بکشد تب کودک پایین می‌آید. در شهر گوراب زرمیخ برای پایین آوردن تب

ریشه کاسنی دم می کنند و به فرد می خوراندند. همچنین در روستای ضیابر برای پایین آوردن تب شدید، کودک را روی برگ درخت وی (vi) یک شب می خوابانند.

گلودرد برای درمان گلودرد، آب نمک غرغره می کنند، شیر داغ، آش و سوپ گرم می خورند. در تولمشهر گل ارمنی را در آب حل کرده دور گلو مالیده و با پارچه ای آن را می بندند. در شهر گوراب زرمیخ زنی که دوقلو زاییده باشد انگشت سیباهش را به نمک آغشته کرده درون دهان و گلو می گذارد. در صومعه سرا کدو را نصف کرده با پارچه ای آب نزنده از جنس حریال دور گلو را می بندند به این کار در اصطلاح محلی شش (ses) می گویند. در هنده خاله چند عدد مهره زرد رنگ به گردن بیمار می آویزند. در روستای ضیابر تخم مرغ آب پز و نمک به فرد می خوراندند. در اباتر گیاه سرخ و اش را کوبیده دور گردن می بندند.

سرفه برای درمان سرفه در روستای هنده خاله، قولنجان، زنجبیل، گل گاوزبان، پندرک و بنفشه را جداگانه دم می کنند. در اباتر میشین و گزنه را دم کرده و به فرد می دهند. در گوراب زرمیخ، زوفا، باریجه و نبات دم می کنند. در صومعه سرا، تخم بالنگ را مانند چای دم کرده و به بیمار می خوراندند. همچنین هر صبح ناشتا نشاسته را در آب حل می کنند. در تولمشهر. تخم ریحان، و دانه به را دم کرده برای رفع سرفه و نرم شدن سینه به شخص بیمار می دهند.

سیاه سرفه در روستای اباتر هنگامی که کودکی دچار بیماری سیاه سرفه می شد کتفش را بیشتر می زدند. دانه هندوانه ابوچهل را می کوبند، روی زخم ناشی از بیشتر می گذارند، و بدن کودک را چند روز نمی شویند. در گوراب زرمیخ، گل تاج خروس، وارم بو، کاکل ذرت، و گل بنفشه را دم کرده و در روز سه نوبت به کودک می خوراندند.

سینه پهلو در فصل سرد سال بیشتر کودکان به سینه پهلو مبتلا می شوند. برای درمان، حوله گرم کرده و یک شیشه آب گرم روی موضع می گذارند. در اباتر و هنده خاله، موم را روی پارچه حریال با کره بدون نمک مالیده و به پهلو کودک می بندند. در روستای ضیابر، نخ ابریشم یا پارچه ای ابریشمی را گرم کرده و در ناحیه درد می بندند.

چشم درد برای درمان چشم درد، چند قطره شیر زن دخترزا را داخل چشم چکانند. با چای تازه دم چشم را شسته، سپس تفاله چای روی پارچه حریال آب نزنده گذاشته و روی چشم می گذارند.

گل مژه را در اصطلاح محلی کورفوز (kurfuz) می گویند. از این رو، برای درمان آن در گوراب زرمیخ، یک سکه یکریالی و ذغال روی موضع کشیده، در خیابان می اندازند. در هنده خاله با گلاب چشم را شسته و کمی روغن نباتی روی موضع می مالند. در روستای تنیان زرده تخم مرغ داغ کرده روی چشم می کشند.

گوش درد برای درمان گوش درد مقداری تریاک را با شیر زن دخترزا قاطی کرده درون گوش می گذارند. همچنین چند قطره از شیر زن دخترزا را برای درمان و تسکین گوش درد مناسب می دانند. دمیدن دود سیگار به داخل گوش یکی دیگر از راه های درمان آن است.

در شهر گوراب زرمیخ، گل چای را سوزانده و گوش را با آن دود می‌دهند. در تولم شهر، موم را سوزانده، دودش را به گوش می‌رسانند. در روستای هنده‌خاله دوده چراغ و تخم آشتالو را سوزانده داخل گوش می‌گذارند.

معه درد برای درمان معده درد عرق خال واش (xālvā s) به فرد می‌دهند. در گوراب زرمیخ، صومعه سرا و هنده‌خاله کمی خاکستر را گرم کرده درون پارچه‌ای گذارده روی معده می‌گذارند. اسفند و گندواش را زیر خاکستر پخته با کمی آب آن را حل کرده به فرد می‌خورانند. در روستای تنیان، گل گاوزبان و گیاه باد جذب را با هم مخلوط و دم کرده، به فرد می‌دهند.

اسهال در بیشتر نقاط مورد بررسی، برای درمان اسهال کته و ماست می‌خورند. به فرد بیمار نبات داغ می‌دهند. در روستای ضیابر، گیاه بینه (bine)، نبات و دارچین را با هم ساییده، دانه گیاه لی‌لی‌کی را جوشانده، با نبات به بیمار می‌دهند. در روستای تنیان ریشه انار را دم کرده، پوست درخت کونوس یا ازگیل کوهی را دم می‌کنند. در روستای هنده‌خاله، خاکستر را درون پارچه حریال گذارده و روی شکم می‌بندند. در کلنگستان برای درمان اسهال شدید، گیاه خنش (xanes) را کوبیده با تخم مرغ ککو می‌پزند. همچنین کمی سوخته تریاک با شیر زن زائو مخلوط کرده به فرد می‌دهند. در تولم شهر پوست نازک داخل گردو را جوشانده و در روز چند نوبت به بیمار می‌دادند.

سرخک در گذشته زمانی که کودکی دچار سرخک می‌شد، لباس سرخ می‌پوشیدند و او را از دید افراد ناپاک دور نگاه می‌داشتند. کرم خاکی را با گشنیز کوبیده، به کودک می‌خوراندند. امروزه در صورت مشاهده دانه‌های ریز سرخک کودک را نزد پزشک می‌برند و سعی دارند غذاها و انواع داروهای گیاهی خنک مانند شیرخشت، بابونه، شیر و خاکشیر به کودک بدهند. معمولاً مدت زمان این بیماری ۹ روز است. سه روز اول کودک تب کرده، سه روز جوش در بدنش ظاهر شده و سه روز دیگر جوش‌ها سیاه و خشک می‌شوند. در دوران نقاهت کودک مبتلا به سرخک را حمام نمی‌برند و غذاهای سرخ‌کردنی به او نمی‌خورانند.

برفک دهان نوزاد با مشاهده جوش‌های ریز و سفید دور دهان نوزاد از داروی بنفش‌رنگی که به آن چرنلی (corneli) می‌گویند استفاده می‌کنند و مادر نوزاد نیز باید غذاهای خنکی بخورد.

سردردهای شدید برای درمان سردردهای شدید، درون استکان را مشتعل کرده و روی پیشانی می‌گذارند. به این عمل بادکش کردن می‌گویند. در صومعه سرا، دارچین را در آب حل کرده به پیشانی می‌مالند. از بخور کدو برای تسکین درد استفاده می‌کنند. در تولم شهر دور پیشانی را با پارچه‌ای بسته قاشق چوبی را از میان گره دستمال رد کرده و آن را می‌پیچانند تا تسکینی برای سردرد باشد.

کچلی در گذشته برای درمان کچلی روغن زرد و پهن گاو روی موضع می‌مالیدند. در گوراب زرمیخ مدفوع گرم روی سر می‌گذاشتند. در روستای هنده‌خاله، کره بدون نمک، پوست تخم مرغ داغ شده و کمی

عسل روی موضع می گذاشتند و پس از مدتی با صابون زرد می شستند. در ضیابر به کچلی پس (pes) می گویند. موهای سر را می تراشیدند، علفی به نام (دعای کچلی) را با گل زرد مخلوط کرده، کوبیده روی سر می مالیدند.

زگیل در اصطلاح محلی به زگیل کولوچمک (kulucemak) می گویند. در تولمشهر یک حبه قند و سکه یکریالی روی زگیلها مالیده و در کنار قبر کهنه‌ای در قبرستان قدیمی به نیت از بین رفتن زگیلها دفن می کردند. در ضیابر کولوچمک واش را کوبیده، آبش را روی زگیل می مالند و با سه تار نخ سفید، سرخ و مشکی دور ساقه گزنه را می بستند به این نیت که زگیلها از بین برود. در روستای اباتر به بقاع متبرکه رفته و ساقه درختی را می شکنند. زاج را می کوبند و روی موضع می گذارند.

در روستای هنده‌خاله و تنیان، دو یا سه‌دانه برنج به نیت از بین رفتن زگیل در سه راه می اندازند. تکه گوشتی روی زگیلها کشیده، درون چاهی می اندازند تا با پوسیده شدن گوشت زگیلها از بین بروند. در گوراب زرمیخ شاخه درخت شمشاد را شکسته، شیره درخت روی زگیل می ریزند. زگیل را با آب باران جمع شده در گوشه ناودان می شویند. در کلنگستان، با ته‌سیگار زگیل را می سوزانند و با دم اسب دورش را می بندند. در صومعه‌سرا برای از بین رفتن زگیل از دعانویس دعایی به این منظور می گیرند.

زردی را در اصطلاح محلی یرقان می گویند. در گذشته برای درمان زردی چند روش به کار می بردند. در روستای ضیابر، پوست به را دم کرده، کودک را زیر نور لامپ مهتابی خوابانده، و خاکشیر به او می دادند. در شهر گوراب‌زرمیخ مهره زردرنگی به گردن فرد مبتلا آویخته و چند عدد ماهی ریز زنده به او می خوراندند. در تولمشهر، ساچمه را جوشانده و مقداری از آب آن را درون انگشتانه ریخته به فرد می دادند. آب کلم نیز می دادند.

در روستای تنیان دوشاب اریا (areba) به فرد می دادند. در روستای هنده‌خاله انگشتر نگین‌دار به گردن فرد می آویختند. در روستای اباتر ادرار دختر نابالغ را جوشانده به فرد بیمار می دادند.

سیاه زخم

در روستای ضیابر، گیاه پنج انگشتی را کوبیده، روی موضع گذاشته سپس با پارچه حریال آب‌نزده دور موضع را می بستند. در تولمشهر گیاه چوواش را کوبیده را با آب دوغ مخلوط کرده، سیاه زخم را شست‌وشو می دادند. گیاه پنیرک (panirak) و واش‌دانه (vāsdāne) را پخته روی موضع می گذارند. در روستای هنده‌خاله پهن گاو را با نفت سوزانده، موضع را دود می دادند. در روستای تنیان ترشی آلوچه و گیاه سیفیلی را با هم مخلوط کرده روی زخم می بستند. در شهر گوراب‌زرمیخ به سیاه‌زخم سیاه‌توش می گویند. از این رو گیاه رماچ (remāc) را کوبیده با ماست مخلوط کرده روی زخم می بستند. در روستای کلنگستان برای التیام زخم حنا، زرده تخم‌مرغ و کمی ماست را با هم مخلوط کرده روی زخم می گذاشتند.

سوختگی اگر سوختگی بر اثر حرارت، آب جوش، و سطحی باشد به روش‌های ساده آن را درمان می‌کردند. در غیر این صورت در اولین فرصت فرد مصدوم را نزد پزشک می‌برند. با مشاهده آثار سوختگی ابتدا پیاز و سیب‌زمینی رنده کرده جداگانه یا با هم روی موضع می‌گذارند.

در گوراب زرمیخ سرشیر و زرده تخم‌مرغ را با هم مخلوط کرده به وسیله پر مرغی روی موضع سوخته شده به آرامی می‌کشند. در روستای تنیان دیگ کوچک مسی را داغ کرده زرده تخم‌مرغ در آن گذاشته، بر اثر حرارت روغن تخم‌مرغ را گرفته سپس روی موضع می‌گذارند. در تولم‌شهر، روغن غاز، روی موضع می‌گذارند. در روستای ضیایر، مقداری چای خشک را گرم کرده، با روغن نباتی آغشته کرده و روی سوختگی می‌مالند.

گری برای درمان این ناراحتی پوستی که معمولاً از دام به انسان منتقل می‌شود، کمی ترنجبین را در آب حل کرده روی موضع می‌مالند. همچنین موضع را با ترشی آلوچه شست‌وشو می‌دهند.

تبخال اهالی این مناطق بر این عقیده‌اند که تبخال بر اثر ترس در گوشه لب مشاهده می‌شود. از این رو برای درمان به چند روش عمل می‌کنند:

در اباتر طناب کفی کهنه‌ای در آب به مدت چند روز خیسانده سپس گوشه لب را با آن می‌شویند. در تولم‌شهر به تبخال بی‌وقتی می‌گویند. آب ریسمان و مقداری نمک را جوشانده، روی موضع می‌گذارند. در روستای ضیایر، برای درمان، روبه قبله نشسته ادرار کرده، کمی سرخاب روی تبخال می‌مالند. در روستای هنده‌خاله، مقداری گلاب و روغن نباتی را مخلوط کرده روی موضع می‌کشند. در شهر گوراب زرمیخ گیاه سیاب (siyāb) و گندواش (gandeās) گلاب و ریسمان کهنه ساییده شده را با مقداری آب مخلوط کرده، تبخال و گوشه لب را با آن می‌شویند.

زنبور‌گزیدگی مقداری گل چاه و آهن سرد، یک تکه طلا را جهت تسکین درد روی موضع می‌گذارند. در روستای کلنگستان مقداری ترشی آلوچه روی ناحیه درد می‌مالند. در روستای اباتر گل زرد و در صومعه‌سرا سیر رنده شده روی موضع می‌گذارند.

مارگزیدگی عمدتاً مارهای گیلان از نوع مارهای آبی بوده و خطرات جانبی برای کشاورزان و اهالی ندارند از این رو در صورت مصدوم شدن، ابتدا بالای موضع را با بند یا طنابی محکم بسته با چاقو یا تیغ آن را بیشتر زده سپس خونابه را با دهان می‌مکند. در روستای تنیان پس از انجام کارهای اولیه، سیر رنده‌شده روی موضع می‌گذارند. برای رفع حال به‌هم‌خوردگی کمی ماست و دوغ به فرد مصدوم می‌دهند.

سگ‌گازگرفتگی برای درمان ناشی از سگ‌گازگرفتگی، روی چوب نیم‌سوخته‌ای آب ریخته و کمی از دوده چوب و آب روی جراحت می‌ریزند. در شهر گوراب زرمیخ برگ باقلا روی موضع می‌گذارند. در تولم‌شهر علاوه بر برگ باقلا، سکه پولی نیز می‌گذارند و پس از التیام یافتن موضع پول را به فرد مستمندی می‌دهند. از دعانویس دعایی گرفته روی موضع می‌بندند. در روستای کلنگستان روی جراحت ناشی از سگ‌گازگرفتگی مقداری چای خشک می‌ریزند. در تولم‌شهر با آب چهل‌تلاس موضع را غسل می‌دهند.

دندان درد کمی تریاک روی دندان خراب می گذاشتند، با آب نمک غرغره می کردند. میل نازکی را داغ کرده، روی دندان خراب می گذاشتند. در روستای هنده‌خاله سیر را داغ کرده و روی دندان می گذاشتند. در روستای تنیان کمی نفت، عطر، و تریاک روی دندان می گذاشتند. و در صورت خوب نشدن، دلاک انبر با عرقان (araqān) دندان را می کشید.

کرم روده در فصل بهار در کودکان بیشتر مشاهده می شود. از این رو مادرانشان جهت درمان چند روش به کار می بردند؛ در روستای اباتر، دانه کدو تنبل را خشک کرده، کوبیده با شیر گاو مخلوط می کنند و در چند نوبت به کودکان می دهند. در تولم شهر، به فرد هویج می دادند. در روستای هنده‌خاله، گل بنفشه، زنجبیل، ادویه را دم کرده، به کودک می دادند. در شهر گوراب‌زرمیخ از بخور ریشه درخت انار استفاده می کردند. در روستای تنیان گل زرد دم کرده به کودک می خوراندند.

شب‌اداری در گذشته و گاهی امروزه در صورت مشاهده شب‌اداری در کودکان چند روش به کار می بردند: صمغ، مغز، و برگ درخت مازو را کوبیده و با شالی زیر شکم کودک را می بستند. تخم مرغ را با پوست پخته و صبح ناشتا به کودک می خوراندند. همچنین سوخته تریاک و شیر گاو به او می دادند.

حجامت در گذشته حجامت برای رفع باد، سردردهای شدید، و دردهای مفصلی در بهار انجام می شد. امروزه افراد مسن حجامت می کنند و این کار توسط دلاک انجام می گیرد. ابتدا شاخ میان تهی گاوی را روی کتف گذاشته، هوای موجود داخل شاخ گاو را مکیده و خارج می کنند. سپس مومی روی آن می گذارند. پس از گذشت چند دقیقه شاخ را برداشته پوست ورم می کنند. سپس با چاقو یا تیغ آن را بیشتر می زنند و خون کثیف را از بدن خارج می کنند. امروزه به جای این کار بادکش می کنند. بدین نحو که ابتدا خمیری روی پشت گذاشته، کوزه یا لیوان مشتعلی را روی خمیر می گذارند پس از گذشت چند دقیقه پوست ورم می کند و لیوان را برمی دارند. گفتنی است پس از حجامت و بادکش کردن نباید ترشی خورد.

سوزش ادرار در روستای اباتر به سوزش ادرار سوزاک می گویند. از این رو جهت درمان زردگل سفید را دم کرده و بدنشان را در چند نوبت با آن شست‌وشو می دادند.

حساسیت‌های پوستی در شهر گوراب‌زرمیخ پوست خشکیده مار را کوبیده با ماست مخلوط کرده به فرد می خوراندند. گیاه چوواش را جوشانده و موضع را شست‌وشو می دهند. در روستای اباتر، با الکل سفید موضع را می شویند. در روستای ضیایر، برگ درخت مازو را جوشانده و بدن کودک را با آن می شویند.

آبسه پستان در روستای هنده‌خاله، روی موضع روغن زرد مالیده و اسپند دود می دهند. در شهر گوراب زرمیخ زالو روی آبسه می گذارند.

زالو اندازی در اصطلاح محلی به زالو سنبور (sonbor) می گویند. هنگامی که پا و دست و کلاً مفاصل استخوانی درد بگیرد، در بهار روی بدنشان زالو می گذارند. زالو را از مزارع جمع‌آوری کرده و روی پا، دست و کلاً موضع درد می گذارند. زالو پس از خوردن خون، سنگین شده و خودبه‌خود از بدن جدا می شود.

یبوست جهت درمان شیر خام شیر اسب و روغن زیتون می‌خورند.
آبله در گذشته در روستای اباتر جهت درمان آبله مقداری پهن گاو روی زخم‌ها می‌گذاشتند و یا با پهن موضع را دود می‌دادند.

پادرد مقداری کره بدون نمک را جوشانده ساق و ران پا را ماساژ می‌دادند. در صومعه سرا، پیه بز، دنبه گوسفند، و هسته خرما را با هم کوبیده، مخلوط کرده، و روی موضع می‌مالند. در روستای اباتر کره گاوی بدون نمک و زنجبیل روی پاها می‌مالند.

قولنج در روستای اباتر، شیر زائو روی موضع می‌مالند. در تولمشهر شب چهارشنبه‌سوری قولنج را محکم فشار داده، پول و یک حبه قند جهت سلامت به فرد مستمندی می‌دهند. همچنین دعای قولنج از دعانویس می‌گیرند و روی موضع می‌بندند. در روستای هنده‌خاله مقداری موم عسل روی موضع مالیده، سپس مشمع‌های درد از داروخانه خریداری کرده، روی موضع می‌گذارند.

خلط سینه گل بنفشه را با ریشه شسته دم کرده به فرد می‌خورانند. دانه به را نیز دم می‌کنند و جهت درمان به فرد بیمار می‌دهند. در تولمشهر کاکل ذرت دم کرده به بیمار می‌دهند.

خروسک در روستای ضیابر، آب قلیان به کودک می‌خورانند. در تولمشهر خروسی که تازه به خواندن افتاده را کشته، خون و پوستش را دور گلوی کودک به مدت چند ساعت می‌گذارند. همچنین گل تاج خروسی را دم کرده به فرد می‌دهند.

ریزش موی سر برای درمان ریزش موی سر، مقداری حنا و زرده تخم‌مرغ را مخلوط کرده، روی سر می‌مالند. در ضیابر خیار و قند کوبیده شده را روی سر می‌گذارند. جهت جلوگیری از ریزش موی سر در روستای تنیان با آب قلیان سر را می‌شویند.

حصبه در گذشته بسیار شایع بود و برای درمان آن بادکش می‌کردند. از غذاها و انواع داروهای گیاهی که طبیعت آن‌ها خنک است. استفاده می‌کردند. مانند آش ماش، آش عدس، بابونه، خاکشیر، و شیرخشت. در صومعه سرا کرم خاکی را با گزنه کوبیده از پارچه صاف و نازکی رد کرده به فرد بیمار می‌خورانند.

خالکوبی در گذشته برای درمان دردهای موضعی که بر اثر کار زیاد به وجود می‌آمد، خالکوبی می‌کردند. بدین نحو که ابتدا دوده چراغ و گزنه را کوبیده، سوزن را به مواد فوق زده روی موضع درد، نقش ایجاد می‌کردند. نقوش خالکوبی بیشتر ستاره، دایره، ضربدر و به علاوه بود که روی انگشتان و مچ دست و برای زیبایی روی چانه نقش می‌زدند.

باروری و فرزندآوری همواره برای انسان مهم بود ولی گاهاً بنابه دلایل مختلف بعضی‌ها از داشتن فرزند محروم بودند. ماماها محلی برای درمان نازایی چاره‌اندیشی می‌کردند و درمانشان را به روی زنان انجام می‌دادند. چون معتقد بودند اگر بیماری از جانب زنان باشد، درمانش آسانتر از مردان خواهد بود. در شهر

گوراب زرمیخ گیاه چهل قلم را با عسل مخلوط کرده، صبح ناشتا می‌خورند. در صومعه‌سرا و تولم‌شهر در فصل بهار چهل گیاه مختلف را چیده با آب مخلوط کرده با چهل طاس زن نازا را غسل می‌دادند. در روستای اباتر گیاه چهل قلم، رازیانه، بادیان، بادجفت، دارچین، قرص کمر (نر و ماده) را با عسل و زردۀ تخم‌مرغ کوبیده به دور کمر و رحم زن ده روز می‌بستند.

چله‌بری یکی دیگر از راه‌های درمان زنان نازا بود. امروزه نیز زنان کماکان به این عمل اعتقاد داشته و برای درمان به ماماهاى محلی رجوع کرده تا برای آنان چله‌بری کنند. در روستای ضیایر اسپند، برگ کنف، نمک و زنبور را با هم جوشانده، چهل روز با چهل طاس زن نازا را با آن غسل می‌دادند. در شهر گوراب زرمیخ چهل دختر، چهل تار نخ به کمر زن نازا گره زده و با دعایی که از دعانویس گرفته بودند، به مدت چهل روز او را غسل می‌دادند. نخ‌ها را تا زمان به دنیا آمدن نوزاد نگاه داشته و به مدت چهل روز دور گردن یا مچ دست نوزاد می‌بستند.

جراحات برای درمان زخم‌های عمیق ناشی از بریدگی، ابتدا موضع را با آب گرم شسته، کمی ماست، زردچوبه، توتون، خاکستر ذغال، برگ کوبیده شده توسکا، و روغن گاوی جداگانه روی موضع می‌مالند.

شکسته‌بندی

کوفتگی محل ضرب‌دیدۀ را با آب گرم ماساژ داده، زردۀ تخم‌مرغ و زردچوبه را مخلوط کرده روی موضع مالیده سپس با پارچه‌ای محکم آن را می‌بندند.

دررفتگی برای درمان دررفتگی، مصدوم را نزد شکسته‌بند می‌برند. ابتدا عضو در رفته را کاملاً با دست ماساژ داده و با حوله‌ای گرم موضع را گرم می‌کند. سپس با کشیدن آن سعی می‌کند. عضو صدمه‌دیده را جا بیندازد. سپس زردۀ تخم‌مرغ، روناس و زردچوبه روی موضع می‌مالد و با پارچه و مقوا می‌بندد. در روستای تنیان پس از آماده کردن عضو صدمه‌دیده، پماد حاوی گیاه هوجوا و موم عسل را که پس از حرارت سرخ رنگی شده، روی موضع می‌مالند.

شکستگی

شکستگی انگشت پا ابتدا شکسته‌بند پارچه‌ای از زیر عضو صدمه‌دیده شده رد کرده یک پایش را روی انگشت پای مصدوم و پای دیگرش را در قسمت پاشنه او می‌گذارد. در یک لحظه پارچه را کشیده عضو صدمه‌دیده جا می‌افتد. پماد گیاه هوجوا را روی موضع می‌مالد سپس با پارچه و مقوا عضو را کاملاً آتل‌بندی می‌کند.

شکستگی دست شکسته‌بند با انگشت شست کاملاً موضع را ماساژ داده، پس از نرم شدن رگ، استخوان را در یک لحظه جا می‌اندازد. سپس پماد هوجوا روی موضع می‌مالد. با باند دور موضع را بسته و با مقوا

آتل‌بندی می‌کند. پس از گذشت چند روز باند را باز کرده، با آب گرم موضع را شست‌وشو داده و مجدداً آن را آتل‌بندی می‌کند.

شکستگی کتف ابتدا شکسته‌بند جهت نرم شدن رگ پماد می‌مالد. مچ دست فرد مصدوم را یک نفر به طرف بالا نگاه می‌دارد، شکسته‌بند با دو انگشت زیر بغل مصدوم را محکم فشار می‌دهد تا استخوان کتف جا بیفتد. پس از جا افتادن با آب گرم موضع را می‌شوید. پماد می‌زند. البته این قسمت از بدن نیاز به آتل‌بندی ندارد.

اشخاصی که به امور مختلف طب سنتی می‌پردازند

ماما یا قابله‌های محلی در امر زایمان همچنین درمان زنان نازا نقش داشتند.

شکسته‌بند در روستاها به شیوه سنتی عضو در رفته، ضرب‌دید و شکسته را درمان می‌کردند.

دعانویس اهالی این مناطق برای درمان بیماری‌های روحی و روانی به دعانویس رجوع می‌کنند.

دلاک یا سلمانی در گذشته به اموری چون کشیدن دندان، ختنه، حجامت، و زالو اندازی می‌پرداخت.

ابزار و وسایل

ابزار ختنه‌نی، لوله و تیغ.

ابزار بادکش و حجامت کوزه، شاخ، موم، خمیر، نیشتر، پنبه و الکل.

ابزار خالکوبی گرد زغال یا دوده چراغ گردسوز، آب گزنه، سوزن.

ابزار دندان‌کشی عرقان، وسیله‌ای شبیه انبر برای کشیدن دندان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی